

شورای ملی (پارلمان) و قانون‌گذاری از منظر آیت‌الله شیخ محمداسحاق فیاض

محمدجواد برهانی*

چکیده

در این مقاله تلاش شده است تا نگرگاه‌های فقیه اندیشور، حضرت آیت‌الله محمداسحاق فیاض، دربارهٔ شورای ملی و قانون‌گذاری واکاوی شود. یافته‌های این مقاله نشانگر مشروعیت برخی از شوراهای ملی واقع در کشورهای اسلامی از نظر آیت‌الله فیاض است. نگاه شیعه و سنی در مورد حکومت دینی متفاوت است. به نظر ایشان، وکیل پارلمان که قوانین کشور را تصویب و بر آن نظارت می‌کند، باید متدین، آگاه، خدمت‌گزار، امانت‌دار و مخلص باشد. قوانینی هم که در شورای ملی وضع می‌شوند، باید به هیچ‌وجه مخالف شریعت ثابت نبوده و در حوزهٔ منطقه‌الفراغ و مباحات اصلی باشد. لازم است قوانین مصوب، قبل از تصویب نهایی، از سوی شورای ملی و کارگروه‌های شایسته و آگاه، به‌صورت دقیق مورد کارشناسی همه‌جانبه قرار گرفته و با بررسی همهٔ جوانب آن، به‌دور از تبعیض وضع و تصویب شود؛ از نظر آیت‌الله فیاض چنین قانونی مورد احترام و لازم‌الانبات است.

واژگان کلیدی: قانون‌گذاری، شورای ملی، منطقهٔ فراغ، احکام متغیر و ثابت،

* استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم.

مقدمه

اصطلاح «شورای ملی» و «مجلس» معادل کلمه پارلمان «parliament» در زبان انگلیسی است. ریشه کلمه پارلمان هم «parliamentum» لاتینی است که به طور کلی به معنای گفت و گو یا مذاکره معنا شده است. مشابه پارلمان و مجالس به قرن های خیلی دور برمی گردد؛ حتی در دنیای باستان هم مراکزی مشابه پارلمان های امروزی وجود داشته است. در عصر حاضر، پارلمان ها از ارکان اصلی بسیاری از حکومت های جهان هستند و بخش مهم دموکراسی شمرده می شوند. پارلمان های رایج در کشورهای جهان اغلب از سیستم حکومت پارلمانی کشور انگلیس الهام گرفته اند.

پارلمان های بسیار متنوعی در جهان وجود دارد که هریک در هر کشوری به نامی نامیده می شود. در افغانستان شورای ملی، در ایران مجلس شورای اسلامی، در عراق مجلس وطنی، در ایالات متحده آمریکا «کنگره»، در روسیه «دوما»، در جاپان «دایت» (diet)، در چین «کنگره ملی خلق» (national peoples congress)، در اسرائیل «کنست» (Knesset) و در هند «سانسیت» (sansad) نامیده می شود.

شورای ملی افغانستان^۱ که قوه مقننه جمهوری اسلامی افغانستان نیز یاد می شود، عالی ترین نهاد قانون گذاری در کشور افغانستان است که از دو مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) و مجلس سنا (مشرانوجرگه) تشکیل شده است. طبق ماده ۸۱ قانون اساسی افغانستان، شورای ملی این گونه تعریف شده است: «شورای ملی جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی، مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند.» (قانون اساسی، ماده ۸۱).

در این مقاله سعی شده است به ضرورت و مشروعیت تشکیل شورای ملی و معیارهای

۱. تشکیل شورای ملی به دوره امان الله خان بازمی گردد که طرح بنیان گذاری آن در نظام نامه اساسی حکومت وی گذاشته شد. شورای ملی دوران امان الله خان مانند هر پدیده نوظهور بسیار ابتدایی بود. در دوره نادر خان پارلمان به دو مجلس شورای ملی و مجلس اعیان تقسیم و راه اندازی شد که اولین دوره شورای ملی در تاریخ ۱۸ سنبله ۱۳۱۰ با عضویت ۱۱۱ تن در قصر سلام خانه ارگ رسماً آغاز به کار کرد. از آن دوره تا کنون (۱۳۹۷) شانزده دور مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است که ۱۳ دوره آن تا زمان کودتای داود خان و یک دور در زمان نجیب الله خان و دو دور آن در زمان پسا طالبان و در افغانستان جدید دایر شد. قابل یادآوری این که پس از کودتای داود خان، او شورای ملی را منحل و در قانون اساسی پارلمانی به نام ملی جرگه که یک مجلس بود را مد نظر گرفت؛ اما هیچ وقت این مجلس کار خود را آغاز نکرد.

قانون‌گذار و قانون خوب از منظر آیت‌الله فیاض به‌عنوان یک اسلام‌شناس با روش کتابخانه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

از آن‌جا که پارلمان عمده وظیفه‌اش قانون‌گذاری است و در عمل هم همه مجالس قانون‌گذاری می‌کنند؛ در حالی که توحید در ربوبیت و توحید در عالم تشریع و قانون‌گذاری یکی از مسلمات عقاید مسلمانان است که فقط خداوند حق قانون‌گذاری دارد؛ بنابراین، توحید در تشریع به ما این نکته را به صراحت بیان می‌کند که قانون‌گذاری مختص خداوند است و دیگران فقط با اجازه خداوند و در یک حوزه خاص (منطقه فراغ) می‌توانند قانون‌گذاری نمایند. این مقاله در صدد است که به این مسئله پاسخ دهد. قابل یادآوری است که با جست‌وجویی که انجام شده است تا کنون چنین تحقیقی صورت نگرفته است.

نگارنده، کتاب‌های مختلف سیاسی، حقوقی، فقهی و اصولی آیت‌الله فیاض را مورد بررسی قرار داده است. از میان آثار متعدد، موضوع این مقاله بیش‌تر در چهار اثر آیت‌الله فیاض و آن هم به‌صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از: کتاب «حکومت اسلامی»، «جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام»، «المسائل القانونیه» و «بیانات و توجیهات». این چهار اثر از سوی نگارنده به دقت مورد مطالعه قرار گرفته و نکات مرتبط با موضوع فیش‌برداری و آنگاه به تنظیم داده‌ها پرداخته و تحقیق سامان‌مند شده است.

بنیاد اندیشه

ضرورت ایجاد شورای ملی در حکومت دینی از منظر آیت‌الله فیاض

اولین پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که از نظر آیت‌الله فیاض چه ضرورتی برای ایجاد شورای ملی وجود دارد؟ اصولاً نگاه آیت‌الله فیاض به حکومت دینی که شورای ملی بخش از آن است، چگونه است؟ آیت‌الله فیاض از حکومت دینی حمایت می‌کند و در صورت فراهم‌بودن شرایط، تشکیل حکومت دینی را فقیه جامع‌الشرائط اعلم لازم می‌بیند. روشن است که در یک حکومت دینی نهادها و ارگان‌های مختلف نیاز است تا نیازهای افراد جامعه در آن برآورده شود. آیت‌الله فیاض در حکومت دینی در رأس همه امور تشکیل شورای ملی را امری لازم و ضروری دانسته، چنین می‌نویسد: اگر فرض کنیم که امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد، چنانچه اگر شرایط مناسب و آماده باشد و مانع داخلی و خارجی هم وجود نداشته باشد، شرعاً بر فقیه جامع‌الشرائط واجب است که حکومت اسلامی تشکیل بدهد؛ به این صورت

که در گام نخست، مجلس شورای اسلامی را ایجاد نماید که اعضای آن را نخبگان، متفکران، کارشناسان، افراد امین و مخلص از سراسر کشور تشکیل دهند. آنگاه در گام بعدی، لازم است با اعضای مجلس شورای اسلامی در مورد نحوه تشکیل حکومت - از فرهیختگان، کارشناسان لایق، مخلص و با ایمان - مشورت شود؛ زیرا معیار و میزان در حکومت اسلامی شایستگی است (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

آیت الله فیاض ضمن تأکید بر شایستگی در حکومت دینی و شورای ملی، معیارهای قومی و حزبی را به شدت رد می کند و آن را از ویژگی های حکومت غیر دینی دانسته، چنین می نویسد: اما معیارهای دیگر، مانند معیار قومی، حزبی و مانند آن دو، که در حکومت های غیر دینی مدنظر است، از نظر اسلام هیچ ارزشی ندارد و با این امر حکومت دینی از غیر دینی متمایز می شود (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱). همان گونه که مشاهده می کنید، هم تشکیل شورای ملی از نظر آیت الله فیاض در یک حکومت دینی ضرورت دارد و هم این که افرادی که برای شورای ملی انتخاب می شوند، باید به دور از تعلقات قومی و حزبی باشند و افراد شایسته و کاردان انتخاب و در شورای ملی فرستاده شوند. روشن است وقتی افراد شایسته در شورای ملی راه پیدا می کنند، باید به دور از تعلقات قومی و منطقه ای برای کشور خدمت کنند. آیت الله فیاض تأکید دارند که افراد جامعه نیز وظیفه دارند که هم به صورت گسترده در انتخابات شرکت کنند و هم خدا را در نظر گرفته و به افرادی رأی دهند که دانا، شایسته و خدوم باشند (فیاض، ۱۴۳۰: ۲۹)؛ بنابراین، آیت الله فیاض در یک حکومت دینی، تشکیل شورای اسلامی را لازم می داند؛ اما در مورد مشروعیت و انتخابات شورای ملی نظر خاص خود را دارد که در بخش های آتی بدان پرداخته می شود.

مشروعیت پارلمان از دیدگاه آیت الله فیاض

آیت الله فیاض، پارلمان های کشورهای اسلامی را که در رأس آن فقیه جامع الشرائط باشد و در آن قوانین مخالف شریعت اسلامی تصویب نشود، مشروع می داند (فیاض، ۱۴۳۰: ۳۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان که در ماده سوم آن تصریح کرده است: «در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.» (قانون اساسی، ماده ۳)، آیا طبق این ماده، شورای ملی افغانستان که قانون مخالف معتقدات و احکام دین اسلام نمی تواند تصویب کند، دارای مشروعیت می باشد؟

آیت‌الله فیاض در کتاب «حکومت اسلامی» خود، حکومت اسلامی و از جمله شورای ملی را مطابق فهم و آموزه‌های شیعه و سنی این‌گونه تعریف کرده است: «در حکومت دینی شیعی حاکم هم در زمان حضور و هم در زمان غیبت از جانب خداوند معین می‌گردد.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۰)؛ با این تفاوت که در زمان حضور شخص معصوم با تصریح به اسم و فرد معین از جانب خداوند حاکم دینی است؛ اما در زمان غیبت، مشخصات حاکم در قالب ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرائط به صورت کلی مشخص شده است؛ بنابراین، مطابق فهم شیعه، حکومتی دینی است که یا در رأس آن معصوم وجود داشته باشد که این امر مربوط به زمان ظهور می‌شود و یا اگر در زمان غیبت است، مجتهد جامع‌الشرائط در رأس حکومت وجود داشته باشد؛ اما در حکومت دینی، طبق نظر اهل سنت، هر حاکمی که در کشورهای اسلامی بتواند حکومت خود را بر مردم تثبیت کند و مردم ولایت او را با آرا و اختیار خود بپذیرند، آن شخص ولی امر مسلمین خواهد بود و حکم او نافذ و حکومتش، حکومت شرعی است (فیاض، ۱۳۹۶: ۷۰).

آیت‌الله فیاض در جای دیگر این‌گونه بیان داشته است: «به نظر اهل سنت هر حاکمی که در کشورهای اسلامی با انتخابات آزاد و سالم و با رأی مردم بر سر کار آید، همان شخص ولی امر مسلمین است و حکمش نافذ و حکومتش حکومت اسلامی است.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۱)؛ پس شورای ملی و قانون‌گذاری آن مشروع است؛ البته به شرط این‌که پایبند ماده سوم قانون اساسی افغانستان باشد و قانونی مخالف شریعت اسلامی تصویب نکند.

بیان اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

شرایط نماینده شورای ملی به نظر آیت‌الله فیاض

آیت‌الله فیاض تشکیل شورای ملی را یک امری لازم می‌داند. ایشان برای اعضای شورای ملی شرایط مهم را مطرح ساخته است که توانمندی علمی، شایستگی، ایمان و تعهد، اخلاص و صداقت از جمله آن‌ها است.

دانایی: یکی از شرایط وکیل پارلمان، داشتن توانایی علمی است. آیت‌الله فیاض در این مورد می‌نویسد: در مجلس شورای اسلامی باید اعضای آن را علمای نخبه، متفکران و کارشناسان تشکیل دهند (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

شایستگی: شایستگی یک شرط دیگری است که لازم است یک وکیل داشته باشد. آیت‌الله فیاض در مورد شایستگی این‌گونه می‌نویسد: آنگاه در گام بعدی، لازم است با اعضای مجلس

شورای اسلامی در مورد نحوه تشکیل حکومت- از فرهیختگان، کارشناسان لایق، مخلص و با ایمان- مشورت شود؛ زیرا معیار و میزان در حکومت اسلامی شایستگی است (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

امانت‌داری و اخلاص: یکی دیگر از شرایطی که آیت‌الله فیاض به آن پرداخته و برای نماینده شورای اسلامی لازم دانسته است، امانت‌داری و اخلاص است. وی می‌نویسد: اعضای مجلس شورای ملی را باید افراد امین و مخلص از سراسر کشور تشکیل دهند (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

دیانت و دارای عقیده درست: نماینده شورای ملی از نظر آیت‌الله فیاض باید متدین و دارای عقیده سالم باشد. نماینده‌ای که اعتقاد افراطی و منحرف داشته باشد، برای شورای ملی مناسب نیست. آیت‌الله فیاض در کتاب «بیانات و توجیهات» به این مطلب اشاره کرده و مردم را تشویق نموده است که به کسانی رأی دهند که دارای اعتقاد سالم و دیانت باشند (فیاض، ۱۴۳۰: ۲۹).

خدمت‌گزاری: یکی دیگر از ویژگی‌هایی که بایسته است یک وکیل پارلمان داشته باشد، داشتن روحیه خدمت است. پارلمان و رسیدن به آن باید یک وسیله برای خدمت‌گزاری باشد. یک وکیل باید به‌دور از قوم، قبیله، حزب و... مسائل کلان کشور را در نظر گرفته و برای پیشرفت کشور خدمت صادقانه انجام دهد. آیت‌الله فیاض در کتاب بیانات و توجیهات خود به این ویژگی وکیل نیز اشاره کرده و مردم را تشویق کرده است که باید به وکیل خدمت‌گزار رأی دهند (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

آیت‌الله فیاض در مورد انتخاب اعضای شورای ملی دو تا آسیب قوم‌گرایی و حزب‌گرایی را نیز مطرح ساخته است. ایشان معتقد است که این دو آسیب که از ویژگی‌های حکومت‌های غیر دینی است، در اسلام جایگاهی ندارد. اسلام، قوم‌گرایی را به‌شدت مورد نکوهش قرار داده و ملاک برتری افراد جامعه را به تقوا، علم، ایمان و کار نیک‌شان دانسته است. در کتاب حکومت اسلامی آیت‌الله فیاض این امر به صراحت بیان شده و ایشان می‌نویسد: معیارهای دیگر، مانند معیار قومی، حزبی و مانند آن، که در حکومت‌های غیر دینی مد نظر است، از نظر اسلام هیچ ارزشی ندارد و با این امر حکومت دینی از غیر دینی متمایز می‌شود (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

شورای ملی و انتخابات

انتخابات یک پدیده جدید است. در گذشته انتخابات با مفهوم نوین وجود نداشته است. حکومت اسلامی، در گذشته، از طریق بیعت با حاکم تحقق پیدا می کرد؛ از این رو، وفاداری نسبت به حکومت در زمان گذشته، در قالب «وفاداری به بیعت» مطرح بود. از «وفاداری به بیعت» به منزله یکی از وظایفی که عموم شهروندان در قبال حاکم بر عهده دارند و قوام اجتماع و حکومت بدان بستگی دارد، سخن گفته شده است. هرکس که ضرورت وجود حکومت را تشخیص دهد و نظم و نظام اجتماع را بدون وجود حکومت ناممکن بداند، «وفاداری به حکومت» را به حکم عقل، شرط نخست بقای حکومت خواهد شمرد. این وظیفه، اختصاص به حکومت خاصی ندارد و حکومت، چه نهاد بشری باشد و چه منصب الهی، بقا و تداوم آن بستگی زیادی به التزام شهروندان به انجام این وظیفه دارد. اگر مردم در حق حکومتی بی وفایی کنند و آن را در برابر مشکلات داخلی و خارجی تنها گذارند، بدون شک، چنین حکومتی دوام نخواهد یافت؛ حتی اگر در رأس چنین حکومتی بهترین انسان ها، مانند پیامبر الهی یا امام معصوم، باشند؛ زیرا اساس و بنای خلقت بر این نیست که اگر مردم حکومتی را نپسندند و برای بقای آن تلاش نکنند، با امدادهای غیبی الهی حمایت شده و تداوم یابد. بهترین شاهد بر این واقعیت، تجربه تاریخ ملت ها است.

آیت الله فیاض معتقد است که حاکم شرع با فراهم بودن شرایط و نبود موانع، مأموریت دارد تا دولت اسلامی را تشکیل بدهد. حاکم شرع باید برای تشکیل دولت اسلامی با دانشمندان، متفکران، کارشناسان، افراد امین و مخلص در مورد انتخاب اعضای حکومت گفت و گو نموده و با آنها در این مورد مشورت نماید. وی هم چنین معتقد است که باید سابقه اعضای حکومت، اهلیت و شایستگی، تخصص، قاطعیت و امانت داری هریک از اعضای مذکور به دور از ملاحظه قومی، حزبی و خویشاوندی مورد بررسی قرار گیرد (فیاض، ۱۳۹۶: ۴۳).

همان گونه که ملاحظه می شود، آیت الله فیاض انتخابات را شیوه مناسب برای حکومت داری و از جمله تشکیل شورای ملی نمی داند. وی معتقد است که انتخابات دارای آسیب ها و مشکلات فراوانی است که از طریق آن افراد شایسته و توانمند انتخاب نمی شوند. آیت الله فیاض به آسیب های متعدد اشاره می کند که آن آسیب ها در انتخابات وجود دارد و در نتیجه حکومت به صورت کل و شورای ملی به صورت خاص قادر نخواهد بود تا افراد توانمند، دانا، کارآمد،

شایسته و خدوم را جذب کند. ایشان آسیب‌های زیادی را برای انتخابات برمی‌شمارد و معتقد است که وقتی انتخابات صورت می‌گیرد، بیش‌تر مسائل قومی، سمتی، حزبی و خویشاوندی مطرح می‌شود نه شایستگی. وی به صراحت بیان می‌کند که ملاحظه قومی، حزبی و خویشاوندی نقش برجسته و مهم در انتخاب اعضای حکومتی دارد که از طریق رأی‌گیری و انتخابات انجام می‌شود؛ زیرا این عناوین بیش‌تر بر انتخابات و تعیینات تأکید دارد تا بر شایستگی، تخصص، امانت‌داری و اخلاص (فیاض، ۱۳۹۶: ۴۳).

آسیب دیگری که آیت‌الله فیاض برای انتخابات مطرح می‌کند، عدم آشنایی رأی‌دهندگان به شایستگان است. به علاوه این‌که شعارهای فریبده باعث می‌شود که مردم فریب شعار را خورده و نتوانند شایستگان را یافته و به آن‌ها رأی دهند. ایشان می‌نویسد: اما اکثر کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند، افراد شایسته را نمی‌شناسند؛ به‌خاطر این‌که شعارهای فریبده تبلیغات انتخاباتی، وعده‌های زیبا و تبلیغات جذاب حزبی و قومی، نقش مهم و زیادی در کسب آرای مردم دارد (فیاض، ۱۳۹۶: ۴۳).

سومین آسیب انتخابات، معامله و خرید و فروش آرا است. این آسیب در کشورهایی مثل افغانستان بیش‌تر دیده می‌شود. آیت‌الله فیاض این آسیب را در نظر داشته و آن را این‌گونه بیان داشته است: در سیستم انتخاباتی گاه اتفاق می‌افتد که رأی‌های مردم توسط پول خریداری می‌شود و از دین مانند یک ابزار برای رسیدن به قدرت و حکومت استفاده می‌شود. به این خاطر، این‌گونه حکومت‌ها اغلب کامیاب نیست و نمی‌تواند کشور را به سوی پیشرفت، تکامل و ثبات پیش ببرد؛ بلکه کشور را به سمت عقب‌ماندگی و بی‌ثباتی سوق می‌دهد (فیاض، ۱۳۹۶: ۴۳).

قانون‌گذاری در حکومت دینی

قانون عبارت است از سیستمی از هنجارهای یکسان برای نظم‌بخشیدن به رفتارهای انسانی. هدف از تثبیت چنین سیستمی، برقراری کنترل اجتماعی است (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۴۶۶).

واژه «قانون» معادل لفظ «شرع» در زبان عربی و کلمه «Law» در زبان انگلیسی است. شاخه‌ای از علم که به بررسی قوانین می‌پردازد، «حقوق» نام دارد و گاه از آن به «فقه» یا «شریعت» یاد می‌شود؛ هرچند میان فقه و حقوق تفاوت‌هایی در زمینه اجرا و قلمرو مباحث وجود دارد.

در کلمات حقوق‌دانان، قانون گاه به معنای خاص کلمه و به معنای «آنچه از طرف مجالس قانون‌گذاری وضع می‌شود و دارای ضمانت اجرای دولتی است»، به کار می‌رود. البته، باید توجه داشت که قانون در حقوق اسلامی، مفهومی وسیع‌تر از معنای خاص نظام حقوق موضوعه دارد و به فرمول‌های الهی، عرفی، پارلمانی و قوانین اساسی نیز قانون گفته می‌شود؛ بنابراین، قانون‌گذاری از وظیفه اصلی شورای ملی است که این امر در قانون اساسی کشور نیز تصریح شده و در ماده ۹۰ قانون اساسی افغانستان آمده است: شورای ملی شش وظیفه قرار ذیل برای‌شان بیان شده است که وظیفه اول آن تصویب، تعدیل یا لغو قوانین یا فرامین تقنینی است (قانون اساسی، ماده ۹۰).

آیت‌الله فیاض قانون‌گذاری در حکومت اسلامی را توسط شورای ملی تأیید کرده؛ اما برای آن برخی از قیودات و شرایط را افزوده است. از جمله آن شرایط این است که «قانون‌گذاری مخالف شریعت ثابت نباشد.» (فیاض، ۲۰۱۷: ۵۶) و دیگر این که این قانون‌گذاری در حدود منطقه‌الفراغ، به حسب شرایط، نیاز زمان و مصالح کشور، در تمام دستگاه‌های دولتی قانون وضع نماید، اعم از این که در نهاد اقتصاد، آموزش و پرورش، نهادهای اجتماعی و حقوقی، اداری، دستگاه امنیتی، مخبرات، پلیس و ارتش باشد یا در سایر ارگان‌ها و نهادهای (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۱).

با توجه به شرایطی که آیت‌الله فیاض آن را برای قانون‌گذاری در پارلمان مطرح کرده است، سه مطلب باید از نظر آیت‌الله فیاض توضیح داده شود که عبارتند از: (۱) شریعت ثابت؛ (۲) شریعت متغیر؛ (۳) منطقه‌الفراغ. بعد از توضیح این سه مطلب، آنگاه وقت آن می‌رسد که بررسی شود در کدام حوزه‌ها پارلمان حق دارد قانون وضع کند.

آیت‌الله فیاض در کتاب حکومت اسلامی، عناصر و ارکان اسلام را به صورت تفصیلی بیان کرده و سه اصطلاح شریعت (ثابت، متغیر و منطقه‌الفراغ) را در آن توضیح داده است که در برخی از آن‌ها قانون‌گذاری راه دارد و در برخی دیگر آن اصلاً قانون‌گذاری و وضع قانون بی معنا است. ایشان می‌نویسد: ماهیت اسلام مرکب از سه عنصر است که دو عنصر آن ثابت و یک عنصر آن غیر ثابت و متغیر است.

عنصر اول که ثابت است و قانون‌گذاری در آن راه ندارد، عبارت است از ایمان به وحدانیت خداوند و به رسالت پیامبر اسلام (ص). همین عنصر، میزان و معیار در اسلام است. پس کسی

که ایمان به خدا و به پیامبر او بیاورد، آن شخص مسلمان است و خون، آبرو و مال او محفوظ و محترم است و در این امر فرق نمی‌کند آن شخص به لحاظ مذهب شیعه باشد یا سنی. این ایمان، نقش مهم و بزرگ در تربیت و تهذیب رفتار انسان و همچنین نقش مهم در تحقق عدالت اجتماعی در سطح جامعه دارد (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۲). ایمان از سنخ باور و امر قلبی است که هرچند تأثیر زیادی در رفتار انسان دارد و با قانون‌گذاری نیز پیوند می‌یابد؛ زیرا انسان با ایمان دغدغه قانون‌گذاری دینی و رعایت قانون برایش خیلی مهم است؛ اما در حوزه ایمان قلبی جایی برای قانون‌گذاری نیست.

عنصر دوم اسلام، به نظر آیت‌الله فیاض، عبادات و معاملات است. روشن است که آموزه‌های اسلامی در قالب عبادات و معاملات متبلور می‌شود و عبادات و معاملات جنبه مناسکی و اجتماعی اسلام و دین را تشکیل می‌دهند.

آیت‌الله فیاض عبادت را در کتاب حکومت اسلامی خود این‌گونه تعریف کرده است که «عبادت به معنای جامع بین واجبات و محرمات، عبارت است از یک سلسله افعال و تروک مخصوص که یک نوع پیوند معنوی و روحی بین بنده و پروردگارش ایجاد می‌کند» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۳) و به نظر آیت‌الله فیاض این پیوند بین مخلوق و خالق ثابت است که با دگرگون‌شدن زندگی، دگرگون نمی‌شود؛ چنانچه با متکامل‌شدن زندگی متحول نمی‌شود. به نظر آیت‌الله فیاض در شریعت مقدس، احکام موقت که مختص به زمان خاص باشد یا احکامی که مختص به مکان خاص باشد، وجود ندارد؛ زیرا بدیهی است که احکام شرعی تشریعات ابدی‌اند که برای همه بشر در روی کره زمین وضع شده و بین زن و مرد و سیاه و سفید و این قاره و آن قاره فرقی نیست. احکام به نحو واحد و به شکل معین ثابت است و با تغییر و تکامل زندگی اجتماعی از این قرن به قرن دیگر تغییر نمی‌کند. نماز در عصر حجر همان نماز در عصر اتم و فضا است و نماز همان‌گونه که برای کسی که اشیا را با قدرت دست خود کنترل می‌کرد و زمین را با خش (قلبه) شخم می‌زد واجب بود، همان‌گونه برای کسی که اشیا را با قدرت برق کنترل می‌کند و کارها را با انرژی اتمی انجام می‌دهد، واجب است؛ چون نمازی که در عصر پیامبر (ص) خوانده می‌شد، با نمازی که در عصر اتم و فضا خوانده می‌شود، یکسان است و هیچ‌گونه تفاوت بین آن‌ها وجود ندارد. هم‌چنین، سایر احکام شرعی، مانند روزه، حج و امثال آن، از واجبات و مانند دروغ، غیبت و دزدی و غیره از محرمات، با تکامل حیات اجتماعی تغییری در آن‌ها ایجاد نمی‌شود. علت عدم

تغییر این است که علاقه انسان به عبادت یک علاقه معنوی و روحی است و با دگرگونی و تکامل زندگی اجتماعی که در هر عصری پدید می‌آید، متفاوت نمی‌شود؛ زیرا عبادات در اسلام از نقش مهم برخوردار است و یک ارتباط بین بنده و پروردگارش می‌باشد که برگشت‌اش به علاقه روحی و معنوی است و با تکامل حیات اجتماعی دگرگون نمی‌شود (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۳-۲۴). روشن است وقتی احکام ثابت باشد، دیگر جایی برای وضع و تغییر قانون در آن وجود ندارد. پس شورای ملی و قوه مقننه در این حوزه‌ای از دین نیز نمی‌تواند خود قانون وضع کند و اگر هم قانونی وضع کند، نمی‌تواند قانونی مخالف شریعت و احکام ثابت وضع کند که خوشبختانه این امر- همان‌گونه که در قانون اساسی بدان تصریح شده- آمده است و قبلاً بیان شد.

آیت‌الله فیاض در ذیل علاقه روحی و معنوی بنده با آفریدگار که با صراحت بیان می‌کند این نوع از علاقه با تکامل حیات اجتماعی دگرگون نمی‌شود، به یک نوع رابطه دیگر را نیز اشاره می‌کند که قابل تغییر است و آن ارتباط انسان با طبیعت است. آیت‌الله فیاض می‌نویسد: به خلاف علاقه انسان با طبیعت که برگشت‌شان به علاقه مادی است و هر آن و لحظه دگرگون می‌شود (فیاض، ۱۳۹۶: همان)؛ بنابراین، در این نوع از علاقه می‌توان مطابق مصالح اجتماعی و محیط‌زیست قوانین وضع کرد. شورای ملی و قانون‌گذاران در این بخش دست باز دارند و با جعل قوانین می‌توانند مصالح کلان را مد نظر قرار دهند.

معاملات که بخشی دیگر از عنصر دوم اسلام است، به نظر آیت‌الله فیاض، با فعالیت اقتصادی اسلامی شکل می‌گیرد. طبق نظر آیت‌الله فیاض، «معاملات اسلامی با عبادات در یک نقطه از هم متمایز می‌شوند و آن این‌که عبادات به صورت کلی فقط از جانب شارع جعل گردیده است؛ در حالی که معاملات بین عقلا قبل از شرع و شریعت نیز وجود داشته است؛ متنها شارع به این معاملات نگاه می‌کند، هرکدام‌شان که موافق با مبنای شریعت باشد، آن را امضا می‌کند و هرکدام که مخالف با مبنای شریعت باشد، آن را ملغی اعلام می‌دارد؛ مانند معاملات حرام از قبیل ربا خرید و فروش شراب، خوک و سگ، احتکار، غش در معامله و مانند آن.

علت این تفاوت این است که دین اسلام برای اصلاح کل جامعه آمده است. دین اسلام، نظام معتدل و متوازن را به منظور تحقق عدالت و توازن بین طبقات اجتماعی و حفظ حقوق افراد جامعه بدون افراط و تفریط وضع نموده است. از آن‌جا که نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر مصالح واقعی است، لذا گاهی با نظام عقلایی موافق و گاهی با آن مخالف است. به همین خاطر است که

گاه می‌شود شارع یک شرط اضافی را برای صحت معامله معتبر می‌داند؛ در حالی که این شرط در نزد عقلا معتبر نبوده است.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۵).

از سوی دیگر، رشته اقتصاد در اسلام در حوزه‌های علمیه که هر آن تکامل یافته، به وسعت و عمق آن افزوده می‌شود، به صورت عمیق و گسترده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که این امر نشان‌دهنده اهتمام مسلمانان به نهاد اقتصاد اسلامی و استقلال آن است. به همین خاطر، در کتاب «البنوک» بیان داشته‌ایم که امکان دارد تمام فعالیت اقتصادی و مبادلات تجاری با همه انواع و اصناف آن در بازارهای بین‌المللی (بورس) از نظر اسلام تصحیح گردد [مثلاً با افزودن شرطی مورد تأیید اسلام قرار گیرد] به جز معاملاتی که در شرع حرام شمرده شده است که این نوع معاملات قابل تصحیح نیست.

تا این‌جا به این نتیجه رسیدیم که اقتصاد اسلامی در هر عصر و زمانی قابل تطبیق است و قادر است مشکلات انسان را در همه ابعاد زندگی‌اش حل نماید.

قانون‌گذاران اسلامی در این حوزه نیز دست باز دارند و می‌توانند قوانینی وضع کنند که مخالف شریعت ثابت نباشد.

عنصر سوم اسلام، به نظر آیت‌الله فیاض، منطقه‌الفراغ یا عنصر متحرک و غیر ثابت نام دارد. در این منطقه، قانون‌گذار و فقیه می‌توانند قانون وضع کنند. آیت‌الله فیاض در این مورد می‌نویسد: «حدود منطقه‌الفراغ و صلاحیت قانون‌گذاری فقیه در آن منطقه به‌عنوان احکام ثانوی است.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۸). آیت‌الله فیاض منطقه‌الفراغ را یکی از امتیازات اسلام می‌داند که دلیل بر جاودانگی اسلام دارد تا این دین پویا بتواند در هر عصر و زمان مطابق شرایط زمانه خود را وفق داده و قانون‌گذاران از این عرصه استفاده نموده، قانون متناسب با شرایط زمانه خود وضع کنند. وی می‌نویسد: «از جمله امتیازات دین اسلام که مانند یک قانون عام و کلی برای همه بشر و برای تمام عصرها و مکان‌ها در نظر گرفته شده است و راه جاودانه است که به صورت خوب با علم و تکامل همراهی می‌کند، این است که در دین اسلام جای خالی (منطقه‌الفراغ) وجود دارد که این منطقه فراغ، صفحه و رقعته‌ای است که خالی از حکم است و در قرآن و سنت برای این منطقه حکمی در نظر گرفته نشده است و آن منطقه عبارت است از منطقه مباحات اصلی که عنصر سوم در اسلام است و این عنصر، یک عنصر متحرک و غیر ثابت در شریعت مقدس اسلام

است.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۹). در این عرصه می‌توان قانون مناسب وضع کرد.

ضرورت وجود حوزه منطقه‌الفراغ برای قانون‌گذاری

یکی از پرسش‌هایی که جدی مطرح است، این است که چرا در اسلام منطقه‌الفراغ وجود دارد؟ آیا این نقص نیست که اسلام منطقه‌ای را خالی از حکم قرار داده است و اختیار قانون‌گذاری در آن عرصه را به خود مردم سپرده است؟

آیت‌الله فیاض در کتاب حکومت اسلامی خود به این سؤال پاسخ داده و چند تا دلیل را برای ضرورت منطقه‌الفراغ بیان داشته و در یک جمع‌بندی آن را نقطه قوت و پویایی دین اسلام می‌داند که قانون‌گذار می‌تواند با قانون‌گذاری خود، خلأهای پیش‌آمده را متناسب با شرایط زمان و مکان پر کند. وی دلایل پنج‌گانه را برای ضرورت وجود منطقه‌الفراغ این‌گونه بیان داشته است.

دلیل اول این است که «شریعت اسلام، شریعت جاودانه، ابدی و رو به تکامل است، و قادر است مشکلات انسان را در هر عصر و زمانی در طول تاریخ و تا ابد به هر میزانی که جوامع تکامل یابد، حل نماید.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ بنابراین، برای یک شریعت جاودانه نیاز است که دگرگونی ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر را در نظر بگیرد تا با دگرگون‌شدن شرایط زندگی و روابط اجتماعی و سیاسی، با مشکل مواجه نگردیده و با انعطاف‌پذیری احکام متغیر، مشکل جامعه دگرگون‌شده را حل نماید.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

دلیل دومی که آیت‌الله فیاض برای ضرورت وجود منطقه‌الفراغ بیان داشته، این است که حکومت اسلامی که در عصر پیامبر اسلام (ص) و با دست مبارک آن حضرت تشکیل شد، با تمام دستگاه‌ها و نهادهایی که داشت، یک حکومت بسیط و ساده بود. روشن است که این حکومت - حکومت زمان پیامبر - پاسخ‌گوی نیازهای زمان ما نیست؛ زیرا حکومت زمان ما در تمام ابعاد خود پیچیده شده و توسعه یافته است؛ هم در دستگاه‌ها و نهادهای اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، اداری، امنیتی، مخابراتی، ارتش، پلیس و هم در سایر نهادها و دستگاه‌های موجود (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ بنابراین، ضرورت منطقه‌الفراغ، یک امر ضروری و دلیل بر پویایی دین اسلام است.

دلیل سوم ایشان در کتاب حکومت اسلامی برای ضرورت وجود منطقه‌الفراغ این است که

«طراحی یک نظام ثابت و دائمی برای حکومت امکان ندارد؛ زیرا نظام حکومت مانند نظام عبادات نیست که در طول تاریخ و برای همیشه یکسان باشد. بدیهی است که نظام حکومت با تغییر زمان و با متکامل شدن زندگی دگرگون می‌شود و به این خاطر، سیستم حکومت زمان پیامبر را نمی‌توان در زمان حاضر که همه چیزش تکامل یافته و پیچیده گردیده است، پیاده نمود.» (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۹). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضرورت منطقه‌الفراغ در حوزه حکومت مطرح است؛ اما روشن است که در آن هیچ‌گونه خصوصیت منحصر به فردی وجود ندارد تا بگوییم به‌خاطر آن خصوصیت، منطقه‌الفراغ فقط در مسائل حکومتی مطرح است؛ بلکه در عرصه‌های گوناگون زندگی و تکنولوژی می‌توان حوزه مباحثات اصلی را یافت و برای آن متناسب با شرایط خاص قانون وضع کرد.

دلیل چهارمی که آیت‌الله فیاض برای ضرورت وجود منطقه‌الفراغ مطرح ساخته، این است که «در زمان حضور، خداوند سبحان ولایت امر را بعد از پیامبر اکرم (ص) برای ائمه اطهار (ع) قرار داده است و در زمان غیبت این سمت را برای فقیه جامع‌الشرایط که از جمله شرایط آن اعلیت است، قرار داده است. بسیار طبیعی است که ولی امر از جانب خداوند متعال مأموریت یافته تا در صورت وجود شرایط و نبود موانع، حکومتش را بر مبنای حاکمیت دین تشکیل بدهد. وی در ادامه این‌گونه بیان داشته است که ولی امر مجاز نیست تا در احکام الزامی که در شریعت اسلام جعل شده، تصرف نماید؛ مانند این که مردم را از انجام واجب باز دارد و یا به آن‌ها دستور دهد تا مرتکب حرام شوند و مانند این‌ها (فیاض، ۱۳۹۶: ۲۹).

آیت‌الله فیاض از دلایل فوق ضرورت وجود منطقه‌الفراغ را نتیجه گرفته چنین می‌نویسد: همه این دلایل می‌طلبند تا شارع مقدس اسلام منطقه‌الفراغ را در شریعت در نظر بگیرد و در آن، برای ولی امر صلاحیت گسترده اعطا نماید تا ولی امر بتواند در آن منطقه برای حکومت اسلامی به مقتضای شرایط و نیاز زمان و جامعه در هر عصر، جهت پرکردن آن خلأ قانون وضع نماید.

از این جا روشن می‌شود که وجود منطقه‌فراغ نه نقص در شریعت اسلامی محسوب می‌شود و نه با وجود در نظر گرفتن منطقه‌فراغ، اهمال و سهل‌انگاری در کار بوده است؛ بلکه وجود منطقه‌مذکور به‌خاطر ضرورت فراگیری شریعت اسلامی برای همه اعصار مختلف در طول تاریخ است (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۰).

نوع حکم قوانین مجلس

سؤال دیگری که در این جا مطرح است، این است که قوانین پارلمان از چه نوع حکم محسوب می شود. برای احکام دسته بندی های زیادی صورت گرفته است که در یک دسته بندی حکم به اولی و ثانوی و واقعی و ظاهری و هم چنین به حکم فقهی و حکومتی تقسیم شده است. در ابتدا لازم است این اصطلاحات توضیح داده شود و آنگاه دیدگاه آیت الله فیاض در این مورد بیان شود. حکم اولی: اگر حکمی برای موضوعی بدون در نظر گرفتن عناوین ثانوی مانند اضطرار و هم چنین بدون در نظر گرفتن حالت شک و جهل مکلف نسبت به حکم واقعی قرار داده شود، به آن حکم اولی گفته می شود؛ مانند «وجوب» وضو برای نماز. به عبارت دیگر، حکم اولی به حکمی گفته می شود که آن حکم برای موضوع آن بدون در نظر داشت امر دیگری جعل شده باشد (الفضلی، ۱۳۷۴: ۸).

منظور از حکم ثانوی، احکامی است که به لحاظ اضطرار و دیگر عناوین ثانویه برای موضوع از طرف خداوند قرار داده شده است. به عبارت دیگر، به احکامی ثانوی می گویند که به خاطر عارض شدن حالتی نظیر اکراه، اضطرار، عسر و حرج و یا عناوینی مثل نذر و تقيه (عناوین ثانوی) برای مکلف، قرار داده می شود؛ چون بیشترین کاربرد آن از عناوین ثانوی، حالت اضطرار است، به آن حکم اضطراری هم گفته شده است (ولائی، ۱۳۸۴: ذیل واژه).

در طول دو حکم اولی و ثانوی که از طرف شارع قرار داده شده است، حکم دیگری قرار دارد که از ناحیه حاکم اسلامی و ولی امر مسلمانان می شود و اصطلاحاً حکم حکومتی نام دارد و از آن جا که حکم حکومتی همواره دستور به اجرای یک حکم اولی یا ثانوی است، بعضی از فقها آن را حکم اجرایی نامیده اند. منشأ حکم حکومتی تشخیص مصالح و مفسدات اجتماعی است. خوب است به این نکته توجه شود که از لحاظ زمانی، مدت زمان اعتبار حکم متفاوت است؛ احکام اولیه، که به موضوعات در حالت طبیعی تعلق گرفته اند، دائمی اند و احکام ثانویه تا مدت زمانی که عناوین ثانوی مانند اضطرار وجود دارند، معتبر هستند؛ اما حکم حکومتی دائرمدار مصلحت و عناوینی است که حاکم اسلامی با در نظر گرفتن آن ها اقدام به صدور حکم مزبور کرده است. به نظر آیت الله فیاض، قوانینی که از سوی پارلمان یا هر ولی امر مسلمانان وضع می شود، از نوع حکم ثانوی است. آیت الله فیاض در این مورد می نویسد: از آن رو که قانون ثابت برای

حکومت در منطقه‌الفراغ ممکن نبود، لذا شارع امر قانون‌گذاری و جعل نظام و قانون را در این منطقه به ولی امر واگذار نموده است تا وی به مقتضای شرایط و نیاز هر زمان برای پرکردن این خلأ، قوانین مناسبی را به‌عنوان حکم ثانوی وضع نماید (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۰). هم‌چنین آیت‌الله فیاض در جای دیگر کتاب حکومت اسلامی، قوانین موضوعه از سوی فقیه در منطقه‌الفراغ را حکم ثانوی نامیده چنین می‌نویسد: اما در زمان غیبت، حاکمیت از آن فقیه جامع‌الشرائط است که اعلم زمان خود باشد و صفات عدالت، امانت، اخلاص و قاطعیت در اجرای احکام الهی را دارا باشد و برای تحقق عدالت اجتماعی و توازن بین طبقات جامعه بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری و مجامله تلاش نماید و از صلاحیت خود برای قانون‌گذاری به‌عنوان حکم ثانوی در منطقه‌الفراغ با توجه به نیاز و شرایط کشور استفاده نماید (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

معیارها و بایسته‌های قانون‌گذاری از منظر آیت‌الله فیاض

مقصود از بایسته‌ها در این‌جا عبارت است از استانداردها و معیارهای لازم برای قانون‌گذاری که قانون‌گذار باید آن را در فرایند قانون‌گذاری در شورای ملی رعایت نماید. سؤال اصلی این است که قانون‌گذار برای وضع و تصویب قوانین کارآمد کدام معیارها و اصول را باید در پروسه قانون‌گذاری مورد توجه قرار دهد؟ پاسخ این پرسش را از منظر آیت‌الله فیاض مورد بررسی قرار می‌دهیم.

با بررسی دیدگاه‌های مکتوب آیت‌الله فیاض که در آثار مختلف ایشان آمده است، می‌توان چند معیار را برای قانون‌گذاری یافت.

عدم مخالفت با شریعت ثابت، معیار اول برای قانون‌گذاری است که آیت‌الله فیاض آن را در جاهای مختلف بیان داشته است. همان‌گونه که در گذشته نیز بیان شد، احکام اسلامی دارای سه حوزه ثابت، متغیر و مباحات است. قانون‌گذاری در دو حوزه اخیر امکان‌پذیر است و آن هم مشروط به این‌که با احکام ثابت شریعت در تعارض نباشد. آیت‌الله فیاض این معیار را در کتاب بیانات و توجیهات خود در بیانیه‌ای که بعد از برگزاری انتخابات پارلمانی عراق صادر کرد، این‌گونه بیان داشته است: دانشمندان و مراجع دینی و عموم مردم مسلمان از مجلس شورای ملی تقاضا دارند که در همه مواد قانون باید آموزه‌های دینی منبع اصلی قانون‌گذاری برای کشور قرار گیرد و هیچ قانونی مخالف اسلام در مجلس شورای اسلامی تصویب نگردد (فیاض، ۱۴۳۰: ۳۵).

معیار دوم، تصویب قوانین عدالت‌محور در شورای ملی است. در شورای ملی باید قوانینی تصویب شوند که در آن در حق هیچ گروه قومی و مذهبی ستم روا داشته نشود و از تصویب قوانین تبعیض‌آمیز اجتناب شود. طبق نظر آیت‌الله فیاض، هدف از تشکیل حکومت این است که عدالت اجتماعی را محقق نموده بین طبقات جامعه توازن برقرار نماید و امنیت را در جامعه گسترش دهد (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۰). از سوی دیگر، روشن است که وضع و تصویب قانون ظالمانه مخالف شرع است که آیت‌الله فیاض در جاهای مختلف از آثار خود هم در کتاب حکومت اسلامی، هم در کتاب مسائل حقوقی و هم در کتاب توجیهات و بیانات، به شدت از تصویب قوانینی که مخالف شریعت باشد، نهی کرده است.

معیار سوم، کارشناسی قانون توسط کارشناسان و کارگروهان ویژه است. یکی دیگر از معیارهایی را که آیت‌الله فیاض در کتاب حکومت اسلامی خود بیان داشته و بسیار مورد نیاز و لازم در امر قانون‌گذاری است، عبارت است از کارشناسی قانون در فرایند قانون‌گذاری. ایشان می‌نویسد: اگر مثلاً در شورای ملی برنامه اقتصادی، آموزشی، اداری و امنیتی طراحی گردد و یا قانونی وضع شود، باید در قدم اول آن برنامه و یا قانون را توسط متفکران، فرهیختگان، فرهنگیان و کارشناسان لایق، مخلص، با ایمان و متخصص به‌طور مفصل و همه‌جانبه با در نظر داشتن شرایط و امکان‌های آن در آینده مورد بررسی و مطالعه قرار بدهد. بعد در گام بعد، پس از تکمیل مطالعه و بررسی آن برنامه و یا قانون و اطمینان به موفقیت آن، در صدد تطبیق آن برنامه و جعل آن قانون بریاید (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

آیت‌الله فیاض یکی از کارشناسان مهم قانون‌گذاری را عالمان برجسته دینی می‌داند و نقش حوزه‌های علمیه را در قانون‌گذاری بسیار برجسته معرفی می‌کند. وی در حکومت اسلامی خود می‌نویسد: عالمان و حوزه‌های دینی در اصالت اندیشه و قانون‌گذاری معتدل اسلامی و مبارزه با اندیشه‌های افراطی و انحرافی نقش بسیار برجسته و مهم دارند (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱). همان‌گونه که به صراحت بیان شده است، اعتدال در قانون‌گذاری بسیار مهم است. حوزه‌های دینی مخصوصاً در میان اهل سنت مرکز تولید اندیشه‌های افراطی و انحرافی نیز بوده است. آیت‌الله فیاض این امر را مدنظر قرار داده و همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، روی اندیشه اعتدالی تأکید ورزیده و طرفدار قانون‌گذاری معتدل است.

آیت‌الله فیاض منبع قانون‌گذاری را دو منبع مهم اسلامی که همان کتاب و سنت است می‌داند

و در این مورد این گونه می نویسد: مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه و در قانون‌گذاری بر اساس و محوریت کتاب و سنت می‌چرخد و هرچه هم تکامل پیدا کند و از لحاظ عمق و دقت بیش‌تر شود، نمی‌تواند از آن دو تجاوز نماید و اگر از آن دو منبع مهم اسلامی تجاوز نماید، دیگر آن پژوهش مطرود است. به همین اساس است که در این درس‌ها افکار منحرف و افراطی یابیده نمی‌شود؛ زیرا قرآن و سنت ضد همه انواع انحراف و ترور (ارهاب) می‌باشد (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

می‌توان گفت که این حرکت فکری و اجتهادی که دارای خصیصه اسلامی است، در طول تاریخ افق‌های ذهن را گشوده و مشعل کتاب و سنت را به دوش کشیده است، و اگر این حرکت فکری و اجتهادی در اسلام نمی‌بود، در عصر غیبت اصالت مسلمانان در حوزه تفکر و قانون‌گذاری که از کتاب و سنت بهره گرفته، تبلور نمی‌یافت. اگر استمرار این حرکت فکری و اجتهادی نبود، مشکلات زندگی جهان در هر عصر لاینحل باقی می‌ماند. این حوزه فکری و اجتهادی در اسلام با گذشت زمان و همراه با پیشرفت زندگی در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، مادی و معنوی پویاتر گردیده و عمق بیش‌تر یافته است.

از این‌جا است که پیشرفت علم فقه و گستردگی آن در تمام حوزه‌های زندگی، در طول تاریخ بر اصالت تفکر و اندیشه‌های اسلامی و قانون‌گذاری مستقل تأکید ورزیده است؛ از این‌رو است که نمی‌توان در این حوزه، اندیشه‌های افراطی و منحرف را یافت؛ زیرا کتاب و سنت ضد هرگونه انحراف و زیاده‌روی است؛ چون منشأ انحراف و زیاده‌روی نادانی، نیرنگ، غرور، تعصب، کورکورانه و عناد است؛ به‌خاطر این‌که شخص افراطی نادان، مغرور و نیرنگ‌باز است که عقل، شعور و اندیشه خود را از دست داده است؛ زیرا اگر کسی کمی فکر و خرد داشته باشد، خرد، دین و انسانیت او نمی‌پذیرد که افراد بی‌گناه، کودکان، زنان و پیرسالان را به‌صورت فجیع و غیر انسانی به قتل برساند و سرزمین و سرمایه دیگران را غصب کرده به غارت اموال دیگران و آدم‌ربایی بپردازد که همه این‌ها از منظر عقل و شرع مردود است.

در ادامه آیت‌الله فیاض از پیامد منفی قوانینی می‌گوید که در پارلمان بدون کارشناسی تصویب می‌شود. وی می‌نویسد: برای حاکم اسلامی و هم‌چنین شورای اسلامی جایز نیست برنامه یا قانون را به‌صورت خوشبینانه و بدون کارشناسی تصویب نماید؛ زیرا این کار موجب اتلاف بیت‌المال (بودجه دولت) مسلمانان می‌شود، و اتلاف اموال مذکور گناهی نابخشودنی است که

ولی امر مسلمانان اقدام به چنین کاری نمی‌کند؛ چون عدالت، امانت‌داری و وثاقت او مانع از این کار می‌شود؛ بنابراین، فرض تصویب و وضع برنامه یا قانون به صورت غیر کارشناسی شده از سویی با فرض این‌که ولی امر مسلمین عادل، امین و موثق است سازگاری ندارد و از سوی دیگر، خود حاکم اسلامی شرعاً مأموریت یافته تا پیرامون برنامه مذکور مطالعه نموده آن را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار بدهد (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

آیت‌الله فیاض علاوه بر ضرورت تشکیل کارگروه قانون‌گذاری که از روی تخصص قوانین را وضع می‌کند، تیم نظارت، برنامه‌ریزی و حسابرسی را نیز لازم می‌داند تا این تیم قوانین تصویب‌شده را بررسی کند و همه جوانب آن را بسنجد و همه احتمالات را پیرامون قانون تصویب‌شده از همه جهات کارشناسی کند. ایشان در این باره چنین می‌نویسد: از این‌جا ظاهر می‌شود که سیستم حسابرسی و برنامه‌ریزی در تمام ارکان و نهادهای حکومتی جاری می‌شود؛ زیرا وضع قوانین و برنامه‌های حکومتی باید بعد از بررسی و کارشناسی همه‌جانبه و مطالعه شرایط اجتماعی صورت بگیرد (فیاض، ۱۳۹۶: ۳۱).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده است تا شورای ملی و قانون‌گذاری از منظر آیت‌الله فیاض مورد بررسی قرار گیرد. تحقیق با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته که نگارنده داده‌های مرتبط با موضوع را از آثار آیت‌الله فیاض جمع‌آوری نموده است. ضمن اشاره با تاریخچه و هدف پارلمان، در گام نخست تلاش شد تا مشروعیت پارلمان مورد بحث و بررسی قرار گیرد که سرانجام این مقاله به این جمع‌بندی رسید که مشروعیت دینی پارلمان و به صورت کل حکومت اسلامی از نگاه شیعه و سنی متفاوت است. مطابق دیدگاه شیعه در رأس حکومت دینی در زمان غیبت لازم است فقیه اعلم و جامع الشرائط وجود داشته باشد و شورای ملی زیر نظر وی قانون را با مشورت با کارشناسان و افراد لایق تصویب نماید. قانون در فرایند قانون‌گذاری نباید مخالف احکام ثابت شریعت باشد؛ بلکه باید در حوزه منطقه‌الفراغ قانون‌گذاری صورت گیرد. مطابق دیدگاه اهل سنت، هر حاکم مسلمانی که بتواند در رأس حکومت یک کشور اسلامی قرار گیرد، آن حکومت دینی می‌شود و اطاعت از ولی امر لازم و قوانین وی که مخالف شریعت ثابت دین نباشد، لازم الاتباع است.

سیره عملی آیت‌الله فیاض در سفر به لندن و بیانیه‌های ایشان در مورد انتخابات عراق، نشان‌دهنده این امر است که انتخابات مرسوم در کشورهای اسلامی مورد تأیید ایشان است. هرچند آیت‌الله فیاض آسیب‌های عدیده‌ای را برای انتخابات بیان کرده است و به‌صورت ایده‌آل ایشان طرفدار این است که از طریق مشورت، افراد شایسته شناسایی و برای شورای ملی دعوت شوند. به نظر آیت‌الله فیاض، وکیل پارلمان که قوانین کشور را تصویب و بر آن نظارت می‌کند، باید متدین، آگاه، خدمت‌گزار، امانت‌دار و مخلص باشد. قوانینی هم که در شورای ملی وضع می‌شود، باید به هیچ‌وجه مخالف شریعت ثابت نبوده و در حوزه منطقه‌الفراغ و مباحات اصلی باشد. لازم است قوانین مصوب، از سوی شورای ملی و کارگروه‌های شایسته و آگاه، به‌صورت دقیق مورد کارشناسی قرار گرفته و با بررسی همه جوانب آن، به‌دور از تبعیض وضع و تصویب گردد؛ از نظر آیت‌الله فیاض چنین قانونی مورد احترام و لازم‌الاتباع است.

سخن پایانی این‌که شایسته است رابطه بین مردم و نمایندگان نیز از منظر آیت‌الله فیاض مورد بررسی قرار گیرد که این مقاله مجالی برای پرداختن به این بحث ندارد. به‌صورت کلی می‌توان گفت که رابطه بین مردم و نمایندگان شورای ملی چند گونه متصور و چند دسته نظریه در این باره مطرح است: نظریه قیومیت، این نظریه بر این پایه استوار است که اساس نمایندگی خدمت به انتخاب‌کنندگان با استفاده از «داوری پخته» و «وجدان آگاه و بیدار» است. این نظریه تأکید شدیدی بر نخبه‌گرایی دارد و معتقد است توده مردم بهترین منافع خویش را نمی‌شناسند و به همین خاطر، نمایندگان آگاه را انتخاب نمی‌کنند و بعد از انتخاب، نمایندگان، مستقل از خواسته‌ها و تمایلات شهروندان تصمیم‌گیری کرده و در راستای مصلحت عامه قدم بر نمی‌دارند. دسته دوم از نظریات، نظریه مأموریت یا وکالت است که مطابق این نظریه، نمایندگان پارلمان وکیل مردم است و باید همیشه با مردم در ارتباط و مشوره باشد و خواسته‌های آن‌ها را تعقیب کنند. رگه‌های این نظریه در پارلمان افغانستان دیده می‌شود و وکیل پارلمان هم به همین خاطر گفته می‌شود که وی وکیل و نماینده مردم در پارلمان است و به‌صورت مستقل از اراده و خواست مردم نمی‌تواند عمل کند. دسته سوم از نظریات، نظریه همانندی است که بر اساس آن، نمایندگان باید شبیه‌ترین افراد به انتخاب‌کنندگان باشند تا بتوانند نمونه کوچکی از جامعه بزرگ‌تر را تشکیل دهند. بر اساس این نظریه، نمایندگان باید از همه اقشار جامعه (از لحاظ طبقه اجتماعی، جنسیت، دین، مذهب، قومیت و...) و متناسب با جمعیت این اقشار انتخاب شوند تا بتوانند از پس نمایندگی

کل جامعه برآیند و گرنه چنانچه قشری از اجتماع فاقد نماینده در حوزه تقنین و حکومت باشند، حقوق‌شان پایمال شده و به حاشیه رانده می‌شوند. شورای ملی افغانستان در عمل از این نظریه پیروی می‌کند.

منابع

۱. عضدانلو، حمید (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.
۲. الفضلی، عبدالهادی (۱۳۷۴)، مبادی اصول الفقه، قم، مؤسسه مطبوعات دینی.
۳. فیاض، محمداسحاق (۱۳۹۶)، حکومت اسلامی؛ جایگاه زن، ترجمه محمدجواد برهانی، قم، بوستان کتاب.
۴. فیاض، محمداسحاق (۱۴۳۰)، بیانات و توجیهات، نجف، مکتبه الشیخ الفیاض، چاپ پنجم.
۵. فیاض، محمداسحاق (۲۰۱۷)، المسائل القانونیه، نجف، مکتبه الشیخ الفیاض.
۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان.
۷. ولائی، عیسی (۱۳۸۴)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی.
8. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n123592>.